

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد
۱۹ جنوری ۲۰۱۵

چه کسانی مدعی مبارزه "تروریستی" اند؟!

چهره سرمایه‌داران تهوع‌آور است. دولت‌مردان حاکم، چند گوشه جهان را به‌میدین جنگ، کشت و گشتار محروم‌ترین اقشار جامعه تبدیل نموده‌اند و روزانه، جان هزاران تن را می‌گیرند تا طبقه سرمایه‌دار، بر حیات بناحق خویش تداوم بخشد. آنان از یکسو به تولید و باز تولید عناصر و دستجات مسلح و ارتجعی می‌پردازند و از سوی دیگر، به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند و ندای "مبارزه" با نوکران خود را سر می‌دهند. حمله دو مرد مسلح به دفتر خبرنگاران و مجله طنزپرداز "چارلی ابدو"، که منجر به کشته و زخمی شدن چند تن از کارمندان آن گردیده است، بار دیگر بر شدت و بر سامان‌بخشی مبارزه با "تروریست"ها از جانب دولت‌مردان حاکم افزوده است؛ "مبارزه"ای که دولت‌های مدافع سرمایه و از جمله دولت فرانسه را واداشته است تا بر تدابیر نظامی خود بیفزاید و هزاران نیروی مسلح را به‌منظور برقراری نظم و امنیت "جامعه"، وارد نقاط مختلف فرانسه نماید!!

در حله نخست، جنایت به‌وقوع پیوسته در دفتر مجله طنزپرداز فرانسه، محکوم و قابل دفاع نیست و طبعاً هدف این‌نوع حملات، تنگتر نمودن حلقه آزادی بیان و دموکراسی‌های نیم‌پند درون جامعه، و همچنین در خلاف خواسته‌های بنیادی کارگران و زحمت‌کشان است. مولد این نوع تحرکات سرمایه‌داران‌اند و به‌همین دلیل لازم ضروریست تا آن را در بستری فراتر از نقشه و اهداف دو عنصر مسلح و مرتجع، و در چهارچوبه سازمان‌دهی جناح‌های رقیب و نقشه‌های کلان امپریالیستی مورد بازنگری و بررسی قرار داد. دهه‌هاست که سرمایه به‌منظور پاسخ‌گوئی به بحران گریبان‌گیرش، در پی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوت در سرتاسر نقاط دنیاست و خلاف عوام‌فریبان و ساده‌اندیشان، کمترین غیر هم‌سوئی را نمی‌توان مابین اعمال شنیع و ضد انسانی همچون حمله به مجله دفتر "چارلی ابدو"، با دیگر جنایات قدرت‌مداران و جانیان جهانی همچون اولاند، نتانیا‌هو و ... به مردم محروم منطقه خاورمیانه و دیگر نقاط دنیا یافت. پُر واضح است که، این‌دست تحرکات و گشتار خبرنگاران "چارلی ابدو"، با هر رنگ و پرچمی، از همان سیاست و از آب‌شخور واحدی تغذیه می‌شوند که دهه‌هاست مردم محروم منطقه خاورمیانه شاهد آنند. صدها نمونه را می‌توان در تصدیق این حکم و آن‌هم در دنیای به اصطلاح مهد تمدن و آزادی، ردیف نمود و نشان داد که اقداماتی از نوع دفتر "چارلی ابدو"، ساخته و پرداخته دم و دستگاه‌های سرمایه، و همچنین پیش درآمد نقشه‌های نا اجرای، دولت‌مردان بزرگ جهانی بر جان و مال کارگران و زحمت‌کشان

دنیاست. به دیگر سخن، خطاست تا چنین اعمال شنیعی را در خلافِ باندها و جناح‌های رنگارنگ متفاوت سرمایه برآورد نمود، و همچنین ناصحیح‌ست، تا واقعه پاریس را صرفاً و صرفاً، در زورق و در قالب‌هایی همچون "بنیادگرای اسلامی" و "تروریستی" پیچید. طرح چنین قالب‌بندی‌هایی، آگاهانه و یا ناآگاهانه، در انطباق با سیاست‌های قدرت‌مداران بزرگ جهانی‌ست و ربطی به آرمان میلیون‌ها توده رنج‌دیده و محروم نداشت و ندارد. در حقیقت سرمایه در این چند دهه، عریان و آشکاراً، هزاران عنصر و دسته مسلح و ارتجاعی را به‌منظور پیش‌رفت سیاست‌های منفعت‌جویانه‌اش علم نمود و مسلحانه به جان مردم انداخت تا حیات طبقه سرمایه‌داری، پا بر جا به‌ماند؛ دهه‌هاست که جنگ به‌راه می‌اندازد و جوامع متفاوت را ناامن و میلیون‌ها انسان را از خانه و کاشانه‌شان و آن‌هم به بهانه برقراری دموکراسی و "مبارزه" با "تروریست" راند، تا نظم دل‌به‌خواه خود را برقرار نماید. ایجاد رعب و وحشت گسترده‌تر، و تخریب زیرساخت‌های جوامع سودده، و همچنین بازتولید دسته‌جات مسلح متفاوت و متعاقباً، "مبارزه" با وابستگان خود، این‌روزها به سیاست روتین و روزمره قدرت‌مداران بزرگ جهانی در چند گوشه جهان تبدیل گردیده است. اسناد و مدارک مکتوب در این زمینه فراوانند و کمترین ناروشنی در ماهیت تحرکات سرمایه‌داران و دیگر دار و دسته‌های‌شان نیست و در مقابل آنچه را که این‌روزها نیاز به تعمق و توضیح فزاینده‌تر، نگاه به هم‌صدا و هم‌سو شدن بعضاً به اصطلاح نیروهای مدافع مردمی و همچنین به صف شدن بیش از یک میلیون انسان، در پشت سر، بیش از پنجاه تن از سران و مقامات کشورهای متفاوت جهان، و جانمایی همچون اولاند، مرکل، نتانیاهو، پادشاه اردن و .. در فرانسه می‌باشد.

براستی که دنیای عجیبی شده است و کسانی به خیابان‌ها سرازیر شدند و ادعای مبارزه با تروریسم و خشونت، و همچنین مخالف کُشت و کُشتار مردم و محرومان‌اند که پرونده‌شان مملو از جنایت و انباشته از بگیر و ببندها و مثله نمودن بدن کمونیست‌ها، در درون زندان‌ها، و همچنین در کوچه و پس‌کوچه‌های سرتاسر دنیاست؛ کسانی این‌روزها شعار و نغمه برقراری امنیت و آسایش مردمی و همچنین آزادی بیان مخالفان، روزنامه‌نگاران و طنزپردازان را سر داده‌اند، که خود سازمانده اصلی و سردمدار تعرض به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان، شکستن قلم‌ها و قطع زبان آزادیخواهان و کمونیست‌ها می‌باشند. واقعیت این است که جانپان به صف شده در "اتحاد" پاریس به‌همراه دیگر هم‌پالگی‌های‌شان در سرتاسر جهان، نقشه‌پرداز، مسبب و بانی حمله به دفتر "چارلی ابدو" اند و خام‌اندیشی و خطاست، تا چنین "مخالفت‌هایی" را به حساب مخالفان طبقاتی و حقیقی کُشت و کُشتار آزادیخواهان بگذاریم. حمل چنین نظری، تطهیر چهره واقعی جانپانی همچون اولاند و دیگر سران به صف شده در "اتحاد" پاریس است.

اشتباه فاحش است تا اهداف و خواسته‌های دولت‌مردان حاکم را در کنار خواسته‌ها و اهداف میلیارد‌ها انسان دردمند قرار دهیم و بدون کمترین تردیدی، اشاعه چنین تفکری اغتشاش طبقاتی‌ست و به‌همین سبب، چنین تجمعات سازمان‌یافته‌ای را نمی‌بایست و نباید به حساب تمایلات سیاسی مردمی واریز نمود و به‌هر دلیل و بهانه‌ای، آن را در زورق آزادی بیان پیچید. چرا که ابعاد تخریب و ادامه‌دار زندگانی مردم لیبیا، افغانستان، عراق، سوریه، سومالی، آفریقا و اروپا و دیگر گوشه‌های جهان، توسط سرمایه‌داران، آن‌چنان زیاد و دردناک است که با هیچ قلم و زبانی نمی‌توان آن‌ها را به تصویر در آورد و بر زبان راند.

در زیر سلطه حاکمان، در به دری و فقر رو به فزاینده، کمر میلیارد‌ها انسان دردمند را خرد نموده است؛ فقر و در به دری که بانی آن سران کشورهای شرکت‌کننده در "اتحاد" پاریس و آن‌هم به‌همراه دیگر دولت‌مردان بزرگ بین‌المللی‌اند که، تحت لوای "برقراری نظم نوین جهانی" و در تداوم نقشه‌های امپریالیستی در پنج گوشه جهان

مرتکب جنایات شنیع می‌شوند. با این اوصاف شرکت در تظاهرات سازمان‌یافته دولتی، چیزی جز تطهیر چهره کثیف جانیان بشریت و مسبب اوضاع کنونی، چیزی جز به انحراف کشاندن حلقه اصلی مخالفت و مبارزه، و همچنین چیزی جز، در پس پرده نگهداشتن فجایع خون‌باری همچون حمله به دفتر روزنامه‌نگاران و طنزپردازان "چارلی ابدو" نیست.

در یک کلام مسبب و بانی چنین قساوتی، سران شرکت کننده در تظاهرات پاریس‌اند و هدف‌شان، تنگ‌تر نمودن آزادی‌های نیم‌بند و به‌دنباله آن به‌جان هم انداختن مردم و آن‌هم به بهانه فرقه‌ئی - مذهبی‌ست؛ هدف خدمت به جناح‌های خودی و پس زدن جناح‌های رقیب و رفع بحران دائم‌التزاید طبقه سرمایه‌داری‌ست؛ هدف ناامنی هر چه بیش‌تر و جلوگیری از اعتراضات رادیکال و مردمی و آن‌هم به بهانه مبارزه با "تروریسم" است؛ هدف افزایش بیش از این بودجه‌های نظامی و چفت و بست‌های هر چه بیش‌تر امنیت سرمایه در درون جامعه است. در حقیقت "اتحاد" یک‌شنبه پاریس، اتحاد سرمایه علیه بشریت، علیه آزادی بیان و علیه یگانگی مردمی در اوضاع و احوال کنونی‌ست و طبعاً دنیای انسانی، با چنین ترندها و اتحادهایی، کم‌ترین هم‌سوئی و قرابتی - نداشته و ندارد و نه تنها در تخالف با آن قرار دارد، بلکه با تمام وجود، خواهان افشاء و خواهان رو شدن سیاست‌های پنهان سرمایه، در بروز حوادث فجیعی همچون "چارلی ابدو" است.

از منظر مدافعان کارگران و زحمت‌کشان، عملاً تفاوت طبقاتی، سیاسی و عملی، مابین کُشتار روزنامه‌نگاران و طنزپردازان و همچنین سازمان‌دهندگان "اتحاد"‌هایی همچون پاریس نیست؛ به این دلیل روشن که هر دوی آن‌ها، مدافع اسارت هر چه بیش‌تر مردمی و مدافع منافع طبقه سرمایه‌داری‌اند؛ هدف و مقصود دولت‌مردان بزرگ جهانی، دامن زدن و راه‌اندازی بیش از این جنگ‌های قومی - قبیله‌ئی و همچنین گسترده‌گی هر چه بیش‌تر ناامنی‌ها در درون جوامع متفاوت است؛ قصدشان سازمان‌دهی و هجومی تازه و به بهانه مقابله با تروریسم و امثالهم به جوامع سوخته، می‌باشد. بنابراین دمیدن از شیپور سرمایه و آن‌هم تحت لوای مبارزه با "بنیاد گرائی اسلامی" و "تروریسم"، ناصحیح و به تبع آن، نمایان‌گر عدم درک حقیقی از سیاست‌های امپریالیستی در دوره کنونی‌ست.

۱۸ دسامبر ۲۰۱۵

۲۸ دی ۱۳۹۳